بسم‌الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

نام «مجلسی» یا «علّامه مجلسی» نامی دیرآشنا برای همهٔ کسانی است که با آثار دینی، تاریخی و ادبی عصر صفویّه و پس از آن آشنایی دارند. کتابهای فارسی او در اخلاق، ادعیه، آداب، عقاید و تاریخ زندگی پیامبر و امامان نزد بسیاری از متدّینان حرمت دارد و خوانده می‌شود، از بحارالانوار او در شمار بزرگترین جوامع حدیثی شیعه نام می‌برند و غالباً آن‌را انبوهی از روایات غثّ و ثمین می‌دانند. دفاع سرسختانه‌اش از مذهب شیعه و نقد وی بر مذاهب دیگر از او چهره‌ای متعصّب و فرقه‌گرا ساخته است. پیوندش با شاه صفوی نیز وجه دیگری از رفتار سیاسی-دینی وی را آشکار کرده است و کم نبوده‌اند کسانی که از این رهگذر مجلسی را نکوهیده‌اند، خصوصاً بدان‌جهت که درست اندکی پس از درگذشت او حکومت رو به‌زوال صفوی سقوط کرد و ایران بار دیگر معرض تاخت‌وتاز بیگانگان شد. برخی، این زوال و سقوط را پیامد اقدامات و روشهای عالمانی چون مجلسی می‌شناسند، اگرچه ارادتمندان مجلسی، درست نظر عکس دارند و حفظ تمامیّت ارضی ایران در اواخر عهد صفوی را مرهون تلاشهای همین عالم نامبردار می‌دانند، با این استدلال که اندکی پس از رحلت او اصفهان بر اثر سستی و بی‌کفایتی سلطان حسین سقوط کرد.[1]

بسیاری از اهل تدیّن از مجلسی با عنوان بزرگترین احیاگر حدیث شیعه و از مروّجان کم‌نظیر و پرتوفیق امامیّه یاد می‌کنند. تعبیراتی چون یگانهٔ روزگار، غوّاص دریاهای حقایق الهی، روشن‌کنندهٔ مسائل پیچیدهٔ شریعت،

---

۱. ر.ک. یوسف بحرانی، لؤلؤةالبحرین، ص ۵۵؛ ادوارد براون، تاریخ ادبیّات ایران (از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر)، ص ۱۱۵؛ تنکابنی، قصص‌العلما، ص ۲۰۵.

جامع همهٔ نیکوییها و فضیلتها. عالم ربّانی، خدمتگزار اخبار امامان، خاتم‌المحدّثین، جامع معقول و منقول، کشّاف حقایق ظاهری و باطنی قرآن و سرآمد گذشتگان و آیندگان، که در آثار عالمانی چون اردبیلی، شیخ حرّ عاملی، یوسف بحرانی و سیّد بحرالعلوم آمده،[۲] نشان از جایگاه والای وی نزد دانشمندان علوم دینی دارد. کسانی بوده و هستند که از کوچکترین خرده بر وی برمی‌آشوبند و حتّی در برخی نوشته‌ها کرامات شگفت به‌وی نسبت داده و هاله‌ای از قداست بر او می‌پوشانند.[۳]

این مجلسی کیست و چه کرده است؟ نگاه او به‌حدیث چگونه بوده است؟ مقام و موقعیّت اجتماعی و دینی او چه بوده است؟ تأثیر وی بر حرکتهای علمی و اجتماعی پس از خودش چگونه ارزیابی می‌شود؟ بارزترین جنبهٔ علمی او کدام است؟ پیوندش با سلطان صفوی و احیاناً حمایت از شاه، اگر درست است، به‌کدام انگیزه صورت پذیرفته است؟ و از همه مهمتر، کتاب بحارالانوار مجلسی ــ که با نام مؤلّف قرین شده است ــ چه کتابی است و جایگاه آن در میان منابع حدیثی کجاست؟

نگارنده از دیرباز که با نام این عالم دینی آشنا شد، همواره آرای موافق و مخالف را می‌شنید، از یک‌سو حرمت و احتشام او را نزد بسیاری متدّینان می‌یافت، در مجالس وعظ و خطابه می‌دید که به‌آثار او استناد می‌شود و خود نیز با برخی آثار فارسی او، از جمله ترجمهٔ توحید مفضّل در اوان نوجوانی آشنا شد و از آن بهره برد. در برابر، شماری از اهل دیانت را می‌دید که با تعبیرات کنایی و گاه تمسخرآمیز از مجلسی یاد می‌کردند و فی‌المثل، درآمد او را بر زادالمعاد برمی‌خواندند که در آن شاه حسین صفوی را ستوده است. این برای نگارنده نیز گران بود، چرا که به‌گواه تاریخ، ازهم‌پاشیدن شیرازهٔ کشور تازه‌سامان‌یافتهٔ ایران در روزگار همین سلطان سست‌عنصر و ناتوان و بر اثر

---

۲. ر.ک. محدّث نوری، **الفیض القدسی** (چاپ‌شده همراه با بحارالانوار، ج ۱۰۲)، ص ۹ــ۳۶؛ بحرانی، همانجا؛ اردبیلی، جامع‌الرواة، ج ۲، ص ۷۸ــ۷۹؛ محمّدبن حسن حرّ عاملی، امل‌الأمل، ج ۲، ص ۲۴۸ــ۲۵۰.

۳. محدّث نوری در **فیض قدسی** (ص ۱۶۳ــ۱۶۴) به کتابی اشاره و از آن انتقاد می‌کند، از آن‌رو که با برساختن خرافات و داستانهای دروغ در مقام مدح مجلسی بوده است. در صفحات ۳۵ و ۳۶ نیز یک نمونهٔ دیگر از این کرامات‌سازیها را آورده و آن‌را نفی کرده است.

بی‌کفایتی او و پیرامونیانش به‌وقوع پیوست!

البتّه در میان خواصّ و عالمان، وضع به‌گونه‌ای دیگر بود، در آنجا محور بحثها کار حدیثی مجلسی بود؛ می‌گفتند (و می‌گویند) وی بزرگترین جامع حدیثی را فراهم آورده و همانجا می‌افزودند که مطالب ضعیف و غیرقابل قبول نیز در آن فراوان است. در کتابهای فقهی و اصولی نیز از او با بزرگترین مشخصّه‌اش، محدّث، یاد می‌شد و این لقب، هرچند دقیقترین تعبیر و صادقترین وصف برای او می‌تواند باشد، در ذهن بسیاری از اهل علم و دانش بار منفی (و به‌اصطلاح، مفهوم مخالف) دارد و معنای آن این است که مجلسی «محقّق» نبود و از مباحث عقلانی بی‌بهره، و یا دست‌کم به‌آن مباحث بی‌علاقه بود.[۴]

سرانجام به‌اقتضای علاقه به‌مطالعات حدیثی، شناختی روشنتر از مجلسی یافت و مراجعات پی‌درپی به بحارالانوار برای نگارنده این امکان را فراهم آورد که با جنبه‌هایی از واقعیّت مجلسی و بحارالانوار برخورد نزدیک داشته باشد و تمام شنیده‌ها و خوانده‌های خویش را به‌محکّ تجربه بزند. اینک حاصل سیر و سفر نسبتاً طولانی خود را بر اهل نظر عرضه می‌دارد و پیشتر این نکته را یادآوری می‌کند که در این نوشته، نگارنده ــ تا آنجا که محدودیتهای طبیعی اجازه می‌دهد ــ می‌کوشد یافته‌های خود را، نه با هدف دفاعیه‌نویسی، ارائه دهد. اساساً مجلسی و همهٔ نام‌آوران تاریخ در عرصه‌های علم، سیاست، اجتماع، دین و ... هر یک به‌تناسب بنیادی که خود برنهادند حیات معنوی خویش را استمرار می‌بخشند؛ نه دفاع نابجا بر حشمت آنان و دیرپاتربودنشان می‌افزاید و نه بی‌مهری و انتقاد تند می‌تواند آنان را از جایگاهی که به‌مدد تلاش خویش حیازت کرده‌اند، فروافکند.

---

۴. تنکابنی مؤلّف **قصص‌العلماء** (ص ۲۰۴) می‌نویسد: «و عجب از حاجی ملّااحمد نراقی است که در کتب خود تعبیر از آن‌جناب به‌محدّث مجلسی نموده است. و این عبارت در نظر این احقر بسیار ناپسند آمد، چه محدّث عرفاً آن‌را می‌گویند که حدیث‌دان باشد...» این تعبیر چنان رایج شده بود که حتی شیخ اعظم انصاری با همهٔ ادب و حرمتی که در حقّ علمای سلف به‌کار می‌برد، مجلسی را با همین عنوان یاد کرده است (ر.ک. **فرائدالاصول**، ص ۹۳ــ۹۴)؛ هرچند بر جایگاه بلند او در حدیث‌شناسی تصریح کرده، که در این نوشته از آن یاد خواهیم کرد.

درهرصورت، از میان انگیزه‌های متعدّدی که تحریر این نوشتهٔ کوتاه را سبب شد، بیش از همه، ادای دین به‌مقام عالمی دینی نقش داشت. نگارنده سالهایی چند از گنجینهٔ گرانبهای فراهم‌ساختهٔ او بهره برده، از افادات فراوانش در سراسر بحارالانوار نکته‌ها آموخته است و حقگزاری را وظیفهٔ حتمی خود می‌داند.

همچنین بر خود فرض می‌داند سپاس و تقدیر خویش را به‌همهٔ جوانمردانی که با فروتنی، دلسوزی و شکیبایی در روزهایی سخت و سرد و تلخ، بی‌واهمه و سربلند ایستادند و طعم شیرین کلام خدا و سخن معصوم را به‌کام جان او نشاندند، تقدیم کند و برای آنان که مانده‌اند از خدا سلامت و توفیق بطلبد و برای رفتگان، بویژه برای عالم وارسته و نیک‌نهاد، والد فقید خود[۵] ثواب و اجر الهی را آرزو کند.

اقدام شایسته و پیگیری و حسن سلوک جناب آقای پایا، مدیر فاضل و محترم مؤسسهٔ «طرح نو» نیز بی‌تردید در فراهم‌شدن این اوراق تأثیر فراوان داشت. برای ایشان و همکاران شکیبا و پرکارشان موفقیّت افزونتر از پیش را امیدوار است.

حسن طارمی
آذرماه ۱۳۷۴

---

۵. فقید سعید مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جعفر طارمی زنجانی (قدّس‌سره) از برآمدگان حوزهٔ قم در عصر مؤسّس حوزه، مرحوم آیت‌الله حائری بود و در محضر آن بزرگمرد و سپس مرحوم آیت‌الله حجّت و آیت‌الله سیّدمحمّدتقی خوانساری و برخی اعاظم حوزه درس خوانده بود و چنانکه همواره متذکّر می‌شد، بیشترین بهرهٔ علمی و اخلاقی را چه در زنجان (پیش از پیوستن به‌حوزهٔ قم) و چه در قم از مرحوم آیت‌الله حاج سیّداحمد زنجانی برده بود. وی پس از نزدیک به‌سی سال خدمات تبلیغی و ارشادی در تهران در ۹۲ سالگی در آخرین ساعات روز هشتم ذیحجّه (شب عرفه) ۱۴۱۵ دعوت حقّ را لبیک گفت. نگارنده در پرداختن به‌مطالعات و تحصیلات دینی، بیش از همه به‌تشویقها و حمایتهای او دلگرم بود و از آرامش و خلوص و باور خالصانهٔ دینی و ارادتش به‌خاندان رسالت نکته‌ها آموخت. رحمةالله علیه رحمةً واسعةً.